

دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



تحلیل اشعار پایداری شفیعی کدکنی و حسینی از منظر نقد بوم‌گرا

مینا آقازاده، دکتر فریده داوودی مقدم

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری - دانشگاه شاهد

(۲) دانشیار دانشگاه شاهد

96minaghazadeh@gmail.com

چکیده

رو به رو شدن جهان امروز با بحران‌های گوناگون زیست‌محیطی، انسانها را به بازنگری در مواجهه با محیط زیست پیرامونش وادار ساخته است. این تلاش در فضای بی‌حدّ و مرز ادبیات به پایداری نوعی نقد ادبی منجر شد که از منظر تأثیر و تأثرات زیست‌محیطی به بررسی و واکاوی متن می‌پردازد. شاعران و نویسندگان هریک از زاویه خاص و منظر ویژه به طبیعت و زیست‌بوم انسان نگرسته‌اند و خالق آثاری جالب توجه بوده‌اند. دل مشغولی‌های متفاوت راجع به محیط زیست و انسان و گیاهان و حیوانات از جمله مباحثی هستند که شاعران در بسیاری از اشعار خود سخن رانده‌اند.

سؤال اصلی پژوهش پیش رو، چگونگی نمود نقد بوم‌گرا در اشعار پایداری دو شاعر، محمدرضا شفیعی کدکنی و سیدحسن حسینی به روش توصیفی تحلیلی و از رهاورد به کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در اشعار مورد بررسی، طبیعت با همه جلوه‌های خویش حضور دارد و شاعران برای بیان مقاصد خویش از عناصر طبیعی پیرامون خود بهره جسته‌اند که این مطلب از مفاهیم مهم در حوزه نقد بوم‌گراست. همچنین شاعران در ابیاتی به طور مستقیم به بیان بحران‌های زیست‌محیطی پرداخته‌اند. به عبارتی دیگر به توصیف بحران و آسیب‌های زیست‌محیطی، هشدار برای آلودگی طبیعت، گاهی به صید و شکار بی‌رویه جانوران و گاهی نیز به توصیه به محافظت از عناصر زیست‌محیطی پرداخته‌اند و در ابیاتی نیز به طور غیرمستقیم با استفاده از عناصر زیست‌محیطی به بیان مسائل پایداری و مقاومتی پرداختند.

کلید واژه: نقد بوم‌گرا، پایداری، سیدحسن حسینی، محمدرضا شفیعی کدکنی.

مقدمه

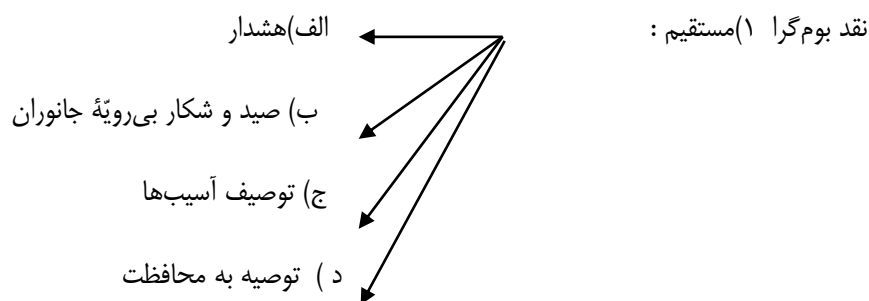
در میان اشعار فارسی از گذشته تاکنون، پدیده‌های طبیعی و زیست‌محیطی از جایگاه خاصی برخوردار بوده است؛ برخی شاعران از این پدیده‌ها به عنوان: سمبل، تشبیه و یا مفاهیم استعاری استفاده نموده‌اند و برخی به صورت مستقیم آنها را مورد استفاده قرار داده‌اند.

دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



اشعار مورد بررسی از نگاه نقد بوم‌گرا که نمود پایداری نیز دارند در این بخش وارد شده‌اند؛ در این بین بعضی اشعار با در نظر گرفتن مسائل پایداری و پس زمینه مقاومت به طور مستقیم به بررسی بحران‌های زیست‌محیطی پرداخته‌اند، به عبارتی دیگر از واژه‌های مربوط به محیط زیست استفاده کرده تا به نوعی به بشریت هشدار داده باشد، توصیف آسیب‌های وارد شده به طبیعت را شرح دهد، توصیه به محافظت نموده باشد و یا به صید و شکار بی‌رویه جانوران اشاره کرده است و برخی دیگر به طور غیرمستقیم به تحلیل آنان پرداخته‌اند، به گونه‌ای که از پدیده‌های طبیعی به صورت مفاهیم استعاری، تشبیه و تمثیل استفاده کرده‌اند تا آن را در مفاهیمی همانند پایداری در خدمت بگیرند؛ البته با توجه به بافت کلی شعر می‌توان این نتیجه را اقتباس نمود و ممکن است در قسمت دیگر مضامین دیگری برداشت شود.

با توجه به مطالب فوق می‌توان نقد بوم‌گرا را اینچنین تقسیم‌بندی کرد:



(۲) غیرمستقیم

پیشینه تحقیق

در زمینه ادبیات با رویکرد نقد بوم‌گرا کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است که از جمله آنها درباره نقد بوم‌گرا که توسط زهرا پارساپور گردآوری و ویرایش شده است و توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است.

توجه به نقد بوم‌گرا در ایران از سال ۱۳۸۷ با مقاله داوود عمارتی‌مقدم در معرفی کتاب گرگ‌گراد «اکوکریتیسیم» با همین عنوان، در فصلنامه نقد ادبی آغاز شد، محمد ناصر مودودی در سال ۱۳۹۰ مقاله «بوم‌نقد جنبشی میان رشته‌ای بین دو حوزه محیط زیست و ادبیات» را نوشت، سپس با نشر مقالات زهرا پارساپور در سال ۱۳۹۱ تحت عنوان‌های «نقد بوم-گرا»، «بررسی ارتباط انسان با طبیعت در شعر» و «نقد بوم‌گرا رویکردی نو در نقد ادبی» گسترش یافت.

دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



«نقد بوم‌گرا ادبیات و محیط زیست» را مسیح ذکاوت در همایش نظریه و نقد ادبی در ایران سال ۱۳۹۲ چاپ کرد. در سال ۱۳۹۳ نیز مقاله «نقد بوم‌گرایانه داستان‌های علی اشرف درویشیان» توسط سالاری و سیددیدی و یوسفی‌نیا در دو فصلنامه مطالعات داستانی منتشر گردید و همچنین مقاله «بررسی بوم‌گرایانه با شبیرو، اثر محمود دولت‌آبادی» از مرتضی حبیبی‌نسامی و در سال ۱۳۹۴ مقاله «خوانشی بوم‌گرایانه از داستان کوتاه درخت گلابی نوشته گلی ترقی» به بررسی این داستان با محوریت نقد بوم‌گرایانه می‌پردازد.

در سال ۱۳۹۶ مقاله‌های «مضامین زیست محیطی در اشعار گیلکی بر اساس رویکرد نقد بوم‌گرا» را کیانپور و فیاضی در مجله ادبیات پارسی معاصر و «نقد بوم‌گرایانه دفتر شعر از زبان برگ سروده محمدرضا شفیعی‌کدکنی» را فرهاد بشیریان و اکبر شایان سرشت چاپ کردند.

در مقاله «بررسی ارتباط انسان با طبیعت در شعر» از زهرا پارساپور انواع نگرش و توصیف طبیعت در شعر فارسی از آغاز تا امروز را بیان می‌کند و در مقاله «نقد بوم‌گرا رویکردی نو در نقد ادبی» ضرورت رویکرد بوم‌گرایانه در علوم انسانی و همچنین چگونگی بازتاب بحران محیط زیست در ادبیات و گستره مطالعات نقد بوم‌گرا را بیان می‌دارد و در نهایت روش-شناسی آن را تفسیر می‌کند.

در مقاله «نقد بوم‌گرایانه داستان‌های علی اشرف درویشیان» نویسندگان به معرفی ادبیات اقلیمی غرب ایران می‌پردازد و در ادامه مهم‌ترین عناصر و ویژگی‌های اقلیمی و روستایی داستان‌های علی اشرف درویشیان را تبیین می‌کند و اشعار و واژه‌های کردی و سوغات و ... شهر کرمانشاه و چگونگی نمود آن در داستان‌های او را اذعان می‌دارد.

در مقاله «خوانشی بوم‌گرایانه از داستان کوتاه درخت گلابی نوشته گلی ترقی» که در آن نویسنده بعد از معرفی آثار گلی ترقی و خلاصه داستان به تبیین بوم نقد داستان درخت گلابی و نگرش ابزاری و ذاتی به طبیعت را با توجه به نقش طبیعت در داستان را بیان می‌کند.

در مقاله «بررسی بوم‌گرایانه با شبیرو، اثر محمود دولت‌آبادی» نویسنده بعد از معرفی نقد بوم‌گرا بعد تاریخ طبیعت را به روشنی تفسیر و تبیین می‌کند و در ادامه به بررسی طبیعت در با شبیرو می‌پردازد.

در مقاله «مضامین زیست‌محیطی در اشعار گیلکی بر اساس رویکرد نقد بوم‌گرا» نویسندگان در ابتدا به تحلیل اشعار گیلکی بوم‌گرا و همچنین توصیف زیست‌بوم و عناصر آن و تأثیرش بر کار مردم می‌پردازد و در بخشی از مقاله در مورد دغدغه حفظ محیط زیست شهری و مبارزه با آلودگی، آفات و خسارت‌ها نیز سخن می‌گوید و اشعاری در این زمینه به عنوان مثال بیان می‌کند.

دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



در مقاله «نقد بوم‌گرایانه دفتر شعر از زبان برگ سروده محمد رضا شفیعی کدکنی» سعی در بیان رویکردهای نقد بوم-گرا دارد و چگونگی نگاه شفیعی کدکنی به محیط زیست و توصیف طبیعت را تبیین می‌کند و نمونه اشعاری از این کتاب ذکر می‌کند.

ولی در مفهوم خاص نقد بوم‌گرایی در اشعار پایداری حسینی و شفیعی کدکنی تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. چارلز برسلر مقاله ای تحت عنوان نقد بوم‌گرا به انگلیسی در کتاب نقد ادبی Literary Criticism, An Introduction to Theory and Practice, آورده است که از منابع مهم این پایان‌نامه هم خواهد بود.

محور اول نقد بوم‌گرا:

اشعاری که در ابتدا به بررسی آنها می‌پردازیم اشعاری هستند که با توجه به مضمون، به بررسی محور اول نقد بوم‌گرا که شامل مباحث: هشدار، صید و شکار بی‌رویه جانوران، توصیف آسیب‌ها و توصیه به محافظت پرداختند.

۱) آخرین برگ سفرنامه باران

این است: که زمین چرکین است

(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۶۳)

آن مسئله‌ای که به طور آشکار از این بیت برداشت می‌شود این است که با توجه به فعالیت‌های مخرب بشریت زمین دیگر همانند قبل شاداب و سرزنده نیست و از جهات مختلف: آب و هوا، خاک، گونه‌های گیاهی و جانوران در خطر جدی نابودی است و باید تمهیدات کارآمدی اندیشیده شود.

در این مرحله، به دو طریق می‌توان زمین، زادگاه همه انسان‌ها را نجات داد:

۱) پیشگیری (۲) درمان

تمامی علوم پایه، علوم تجربی، علوم انسانی در این عرصه به کار گرفته شده‌اند؛ نقد بوم‌گرا از بعد فرهنگی به بررسی این معضل پرداخته است و تاکنون که تقریباً در آغاز راه خود قرار دارد، به موفقیت‌های نسبی دست پیدا کرده است.

مطالعات بوم‌گرا از جمله این علوم است که با وارد کردن بحران‌های زیست‌محیطی در آثار ادبی توانسته، اندیشمندان حوزه‌های گوناگون را به تفکر وادار کند.

از منظر پایداری این چنین برداشت می‌شود که وضعیت جامعه وخیم است و فساد و تزویر تا نهاد آن را آلوده ساخته است و درحال نابودکردن آن از بنیان است و این آخرین پند بزرگان سفرکرده است که هشدار جدی به‌شمار می‌آید.

دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



۲) تن رود در برهوت بستری بود

طیب سنتی ابر نبض زمین را
به بازی تازه‌ای نمی‌گرفت
و تراخم تبخیر
چشم اقیانوس‌ها را از تباهی می‌انباشت
کسی به تفسیر کویر بر نمی‌خواست
تقصیر از کدام گلو بود؟
وقتی کنار شریعهٔ پولاد
خطاب به تاریخ
گلوبی تازه‌تر می‌شد
و خیمه‌گاهی بلند در حریق دامنه‌دار سکوت
به غارت می‌رفت...
(حسینی، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۶)

با توجه به تشخیص اندیشمندان و فرهیختگان، جنگ جهانی بعدی بر سر آب است، آب‌های زمین یا به علت کمبود بارش رو به کاهش هستند یا به دلیل ورود فاضلاب‌های صنعتی و مواد شیمیایی به هیچ وجه قابل استفاده نیستند. در این عصر با توجه به گرم شدن زمین و بالا آمدن سطح آب‌های آزاد و همچنین خشکسالی‌های پی در پی، تعداد بیابان‌ها رو به افزایش هستند و سطح حاصلخیز زمین‌های کشاورزی رو به کاهش است و به طور غیرمستقیم می‌تواند بر زندگی انسان‌ها و جانوران تأثیرگذار باشد. در بررسی از دیدگاه پایداری به این نتیجه می‌رسیم: دولتی که همهٔ ارکان آن رو به نابودی هستند و ناامیدی و دلمردگی بر جامعه سایه افکنده است، خبری از امید و انگیزه نیست به نحوی که هرگونه اندیشهٔ پیروزی و سعادت نیز در مخیلهٔ ملت نمی‌گنجد، ولی گناه این نابودی را کسی عهده‌دار نمی‌شود و حتی برای جبران نیز اقدام نمی‌کند.

۳) در میان گونه‌گونه مرگ‌ها

تلخ‌تر مرگی ست مرگ برگ‌ها
زان که در هنگامهٔ اوج و هبوط

دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



تلخی مرگی ست با شرم و سقوط

وز دگر سو

خوش‌ترین مرگ جهان

زانچه بینی آشکارا و نهان

رو به بالا و ز بستی‌ها رها

خوش‌ترین مرگی ست مرگ شعله‌ها

(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶ ب: ۴۱۵)

این بیت به مقوله نابودی درختان و از بین رفتن جنگل‌ها اشاره می‌کند و بیان می‌دارد این نوع تباهی از بدترین انواع تباهی‌هاست که می‌تواند سرمنشاء تمامی مرگ‌ها باشد، به این طریق که حیات انسان و جانوران را به خطر انداخته و از جهات گوناگون آن را تهدید می‌کند.

متأسفانه در عصر حاضر انسان خود با اعمال نابخردانه موجب به خطر افتادن حیات خود می‌شود؛ تخریب جنگل‌ها به گونه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد که از جمله آن: منظور بهره‌برداری از چوب و درختان، استفاده از فضای سبز موجود در جنگل و در آخر روشن کردن آتش در آن که منجر به مرگ گونه‌های گیاهی بسیاری می‌شود؛ که برای برطرف کردن این خطر انجمن‌های حفاظت از محیط زیست بایستی آن را به طور جدی مورد بررسی خود قرار بدهند.

می‌توان گفت از علت‌های دیگر نابودی جنگل‌ها جنگ‌هاست که همانطور که تمام جغرافیای ملت‌ها را درگیر می‌کند جنگل‌ها نیز شامل آن شده و به طور کلی نابود می‌شود و بشریت بی‌توجه به آن به اعمال خصمانه خود ادامه می‌دهند و در نهایت نیز خود بیشتر از هر چیزی متضرر خواهند شد.

امروزه با توجه به جنگ‌های پی در پی میان اقوام و ملت‌ها، تنها آرزوی آزادی‌خواهان جهان به پایان رسیدن و خاتمه این نزاع‌های خانمان‌سوز است؛ که بیشتر از هر چیزی مردم بی‌گناه و مظلوم تحت تأثیر آن قرار دارند، جنگ‌هایی که سردمداران و مستکبران آغازگر آنند و در نهایت بدون حاصل شدن نتیجه دلخواه و آرمانی خود فقط ملت را در آتش قهر خود می‌سوزانند و به نابودی می‌رسانند.

محور دوم نقد بوم‌گرا:

دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



اشعاری که در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم اشعاری هستند که در محور دوم نقد بوم‌گرا قرار می‌گیرند به این علت که با توجه به پدیده‌های طبیعت و نمادهای ساخته شده به وسیله آنها، به بیان مفاهیم پایداری و مقاومتی می‌پردازد.

۱) هان ای بهار خسته که از راه‌های دور

موج صدای پای تو می‌آیدم به گوش

وز پشت بیشه‌های بلورین صبحدم

رو کرده‌ای به دامن این شهر بی‌خروش

برگرد ای مسافر گم کرده راه خویش

از نیمه راه

خسته و لب تشنه بازگرد

اینجا میا...

میا توهم افسرده می‌شوی

در پنجه ستمگر این شامگاه سرد

برگرد ای بهار که در باغ‌های شهر

جای سرود شادی و بانگ ترانه نیست

جز عقده‌های بسته یک رنج دیر پای

بر شاخه‌های خشک درختان جوانه نیست

برگرد و راه خویش بگردان ازین دیار

بگریز از سیاهی این شام جاودان

رو سوی دشت‌های دگر نه که در رهت

این شهر یخزده در بستر سکوت

جای تو ای مسافر آزرده‌پای! نیست

بند است، وحشت است و درین دشت بی‌کران

جز سایه خموشی غمی دیر پای نیست

دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



دژخیم مرگزای زمستان جاودان
بر بوستان خاطره‌ها سایه گستر است
گل‌های آرزو، همه، افسرده و کبود
شاخ امیدها، همه، بی‌برگ و بی‌بر است
برگرد از این دیار، که هنگام بازگشت
وقتی به سرزمین دگر رو نهی خموش
غیر از سرشک درد نبینی به ارمغان
در کوله‌بار ابر، که افکنده‌ای به دوش
.....

آنجا برو که از سر هر شاخسار سبز
مست سرود و نغمه شبگیر می‌شوی
برگرد ای مسافر از این راه پرخطر
اینجا میا که بسته به زنجیر می‌شوی
(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۹۳-۹۵)

ای بهاری که قرار است با ورود به شهری خاموش و سرد گرفتار خواهی شد و شادابیت را از دست خواهی داد؛ زیرا تمام این شهر بی‌توجه به زندگی بخشی بهار آن را گرفتار خواهند کرد و در پنجه ظلم خود گرفتار می‌کنند در این شهر که همه افسرده هستند و از رنجی دیرین عقده بزرگی در دل دارند و خبری از جوانه زدن و رشد و شکوفایی نیست. تمام افراد این شهر همانند مردگان بی‌جانند و هیچ امید و آرزویی در دل ندارند تنها سوغاتی این شهر سیاهی و درد و رنج و آرزوهای بی‌سرانجام است.

تمام ملت‌هایی که گرفتار ظلم و خفقان هستند بر حسب عادت به شرایط موجود تحمل شرایط جدید و تغییر را ندارد هرچند اگر این تغییر به آزادی آنان منجر شود، زیرا آنان قدر و ارزش رهایی و استبداد را نمی‌دانند به این علت که شهامت تغییر برای بهبود زندگی خود را ندارند و باعث می‌شوند آزادی مفهوم خود را از دست بدهد. شاعر در این ابیات با اینکه به طور واضح و آشکار به محورهای زیست‌بومی که مورد نظر نقد بوم‌گراست اشاره‌ای ندارد، اما هدفش آن است که از محیط زیست و نمادهای طبیعی، مضامین پایداری و مقاومت را به نمایش بگذارد.

دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



شاعر در این بیت در انتظار نوبهاری است که بتواند باغ را دوباره جوان و شاداب سازد اما با توجه به اینکه ظلمت ناامیدی و سیاهی بر وی سایه افکنده است، نمی‌تواند باور کند که باغ او هم در بهار سبز خواهد شد در واقع علت آن در دلمردگی و باور قلبی شاعر است.

می‌توان گفت جامعه‌ای که در آن غاصبان از هیچگونه ظلمی بر مردم فروگذار نکرده‌اند اگر افراد جامعه بدون هیچگونه تلاش و مبارزه‌ای در جهت آزادی ملت خود بی‌حرکت بمانند، در این جامعه افسرگی حاکم خواهد شد و تمامی افراد آن دلمرده هستند و نمی‌توانند به نجات فکر کنند.

تنها راه حل این جوامع پویای و تلاش است برای نجات خود که با مبارزات هوشمندانه می‌توانند به اهداف خویش نائل شوند.

شبیعی کدکنی با توجه به واژه‌های: چرخ ریسک، شاخه برهنه بی‌گل و برگ و نوبهار که از عناصر طبیعت به شمار می‌آیند قصد ترسیم جامعه خزان‌زده خود را داشته است تا بتواند مردم را به پایداری در راه مبارزه دعوت کند.

چرخ ریسک پرندۀ کوچکی شبیه گنجشک است که تلفات آن در فصل زمستان بسیار افزایش می‌یابد و علت آن این است که بیش از ۲۴ ساعت نمی‌تواند گرسنه بماند و از این جهت با پرندگان دیگر متفاوت است. شاعر با آوردن چرخ ریسک و انتظار بهار، تصویری کلی آفریده است که همانند این پرندۀ که دیگر تاب و توانی برای تحمل بهار ندارد دیگر نمی‌تواند این فضای سرشار از ظلم و استبداد حاکم بر جامعه خزان‌زده خود را تاب بیاورد.

شاخه برهنه بی‌گل و برگ، استعاره از جامعه‌ای که همانند باغ خزان‌زده برگ و باری ندارد در واقع اشاره به جامعه‌ای دارد که به علت ظلم‌هایی بر آن تحمیل شده تا مرز نابودی پیش رفته و مردم آن نیز دیگر تاب و توانی برایشان نمانده و دیگر قدرت مبارزه را ندارند، حتی دیگر امیدی به پیروزی ندارند و شکست را با تمام وجود پذیرفته‌اند.

نوبهار در واقع استعاره از انقلاب و تغییر و تحول در جهت رسیدن به آرزوهای دیرینه است که با آمدن خود حیات و نشاط و شادابی را به ارمغان خواهد آورد.

۳) نه از تیشه تیز برقیش هراس

نه از خشم طوفانش اندیشه‌ها

در آنجا که ابری نباریده است

در آنجا که نگذشته یک رهگذر

درخت تک افتاده کوهبید

دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



سرود حیات است سبز و بلند

شکفته چنین بر لب کوه‌سار

(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۳۰)

مبارزان راه وطن به تنها چیزی که می‌اندیشند آزادی‌ست و بس، هرچند در این راه یکه‌تاز میدان باشند همانند درختی تنها که نه ابری بر آن باریدن گرفته نه رهگذری از کنار آن گذر کرده است.

این گونه مبارزه به قطعیت به پیروزی خواهد انجامید و نوید دهنده زندگی و حیاتی مجدد است که علت اصلی آن همین پایداری و ایستادگی در راه خواسته است؛ علی‌رغم برخی بی‌عدالتی‌ها و نامرادی‌ها.

شاعر در این ابیات با توجه به عناصر طبیعت به شرح و معرفی شهر و موقعیت خود می‌پردازد البته نه به صورت مستقیم که در نقد بوم‌گرا مدنظر اصلی است، بلکه با استفاده از مفاهیم استعاری و به گونه‌ای غیرمستقیم.

تیشه تیز برق (تشبیه است که برق به تیشه تیزی تشبیه شده است) و خشم طوفان (استعاره مکنیه است) هستند که در اینجا واکنش تند و برق‌آسای دشمن که ممکن است نابودکننده نیز باشد، به تیشه تیز رعد و برق تشبیه داده شده است به این صورت که حتی چنین امری نیز نمی‌تواند انگیزه مبارزان را از بین ببرد.

مفهوم استعاری بعدی، خشم طوفان به این صورت که خشم دشمن به طوفان سهمگینی تشبیه شده است که هیچ راه نجاتی برای رهایی از این طوفان و این خشم که جانکاه است وجود ندارد.

درخت کوهبید، درختی است که تحمل بسیاری در بی‌آبی و شرایط نامساعد محیطی دارد؛ این درخت در واقع نماد افراد سخت‌کوش و تلاشگری است که هیچ ناملایماتی نمی‌تواند آنان را از هستی ساقط کند و در هر شرایط و وضعیت سختی، استوار و پایدار و شاداب و بانشاط باقی می‌ماند و سمبل با انگیزگی و ایستادگی به‌شمار می‌آید.

۴) نفس گرم گوزن کوهی چه تواند کردن؟

سردی برف شبانگهان را

که پر افشاند به دشت و دامن؟

(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۹۴)

این بیت به روشنی به این مسئله اذعان دارد که: تنها با تلاش یک فرد سرنوشت یک دولت در جهت موفقیت تغییر نخواهد کرد و گاهی ظلم و جور به حدی در ژرفای جامعه رسوخ پیدا کرده که تمامی آحاد ملت لازم است، دست در دست هم در جهت رهایی از چنگال استبداد اقدام کنند.

دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



در واقع بیداد و ظلم در برخی جوامع آنچنان فراگیر شده است که جزئی از جامعه را به خود اختصاص داده است و ملت مظلوم و بی‌دفاع که برای دفاع خود چیزی ندارند، برای نجات خود نمی‌توانند قدمی بردارند.

شاعر در ابیات فوق مستقیماً به محورهای زیست‌بومی که مدنظر اصلی نقد بوم‌گرا است اشاره نمی‌کند اما در پی آن است که از طبیعت و نمادهای ساخته شده به وسیله عناصر آن، مفاهیم پایداری و انقلابی خود را به خواننده خویش القا کند؛ به عنوان مثال در این بیت پر افشاندن سرمای شب بر دشت (سرما به پرنده ای تشبیه شده است) کنایه از فراگرفتن جامعه با ظلم و جور بی‌نهایت است که تمام فضای جامعه را لبریز کرده است و به هیچ طریق رهایی از آن امکان پذیر نیست.

۵) سیلاب

در بالاترین پرواز

هر گنبد و گلدسته و هر برج و باروی مقدس را

تسخیر کرده از لجن

از لوش آکنده

این آخرین قلعه‌هاست

بیچاره آن مردی که آن شب زیر سقف شب

با خویشتن می‌گفت:

من پشت تصویر شقایق‌ها و در پناه روح گندم‌زار خواهم ماند

من تاب این آلودگی‌ها را ندارم

آه!

بیچاره آن مردی که این می‌گفت

(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۳۰-۲۳۱)

با توجه به این شعر، درمی‌یابیم که شاعر اظهار می‌دارد که با فراهم کردن شرایط بایستی افکار انسان‌های مبارز که با سختی‌های زیادی رو به رو هستند در ایران رشد کند و به بار بنشیند؛ چراکه در غیر این صورت آرامش و امنیت به مردم باز نمی‌گردد.

خفقان حاکم بر جامعه دیگر تاب و توانی برای مردم باقی نگذاشته است و نه توان مبارزه و مقابله بر ایشان مانده نه توان صبرکردن و ایستادگی را دارند.

دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



این جامعه که فساد به تمامی ارکان آن رسوخ کرده است دیگر جای ماندن نیست و پلیدی تا عمق جان آن نفوذ کرده است و تنها راه رهایی از آن یا مرگ و نیستی است یا نابودی و از نوساختن آن.

شغفگی کدکنی با تشبیهات زیبا از طبیعت و نمادهای شگفت سعی دارد تا به طور غیرمستقیم با استفاده از عناصر زیست‌بومی مباحث پایداری و مقاومت را مطرح نماید؛ از جمله آنها سیلاب و لوش است که استعاره از شدت خصومت و نهایت ضربه مهلکی که از طرف دشمن وارد می‌شود را بیان می‌کند و آن را به سیلابی تند و بی‌رحم شباهت کرده است که تا همه جای شهر را از نابود نکند از پای نمی‌نشیند و آرام نمی‌گیرد.

لوش گل سیاه تیره‌ای است که در زیر آب می‌نشیند و همانند لجن رنگ تیره‌ای دارد، استعاره از آثار و نتایج بی‌عدالتی و ظلمی است که سیاهی و سایه آن تمام جامعه را در بر گرفته و تسخیر کرده است.

۶ هشدار که باغ

شوره زاران نشود

این خانه

مکان لاشخوران نشود

میراث گرانبار شهیدان

هشدار

بازیچه خیل بی‌تباران نشود

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۸)

در این ابیات شاعر با استفاده از پدیده‌ها و عناصر طبیعی از جمله شوره‌زار شدن باغ و لاشخوران سعی در القای مفاهیم پایداری و انقلابی دارد که در محور دوم مقوله مورد بررسی در نقد بوم‌گرا قرار می‌گیرد.

شوره‌زار شدن باغ اشاره به نابود شدن کلی باغ در اثر خشکسالی و شرایط نامساعد، شاعر با این عبارت به ازبین رفتن جامعه و بی‌ثمر شدن تلاش‌ها و زحمات فعالان عرصه انقلاب اشاره دارد و این اتفاق را هشدار می‌دهد و از جهتی دیگر به تبدیل شدن مکانی برای لاشخوران اشاره دارد که لاشخوران در اینجا افراد فرصت‌طلب و بی‌ریشه‌ای است که دشمنی خویش را به گونه‌ای دیگر ابراز می‌کنند و در سرانجام کار، ضربه مهلکی وارد می‌سازند.

در عالم طبیعت از منظر نقد بوم‌گرا هیچ چیزی زشت و بد و پلید نیست و یا حتی قبل‌تر از آن و در اعتقادات دینی ما خداوند هیچ موجودی را بی‌هوده و بیجا و زشت نیافریده است و هر موجودی زیبا و مفید است؛ اگرچه لاشخور در شعر

دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسان و اسلام



سمبولیک نماد انسان‌هایی است که از باقی مانده کوشش و سعی دیگران استفاده می‌کند بدون آنکه خود سعی و تلاش کرده باشند و این برچسبی که آدم به حیوانات می‌زند؛ این تعبیر ساخته ذهن ما است.

نقد بوم‌گرا می‌گوید انسان حق ندارد که خودش را اشرف مخلوقات بداند و تا این حد بی‌رویه حیوانات و گیاهان را مورد دستبرد و استفاده قرار دهد.

بعد از انقلاب و رسیدن به موفقیت نیز نباید جامعه را به حال خود رها کرد بلکه بنا به فرموده امام خمینی (ره): ما مکلفیم تا علاوه بر این که وضع فعلی را حفظ کنیم، نگهبان آینده نظام و اسلام باشیم.

ما باید پایه‌گذار خوب آینده باشیم، به این دلیل که هر آرزوی ارزشمندی که با سختی حاصل شده باشد با سختی‌های بیشتر باید حفظ شود و به آسانی از دست نرود.

افرادی که در راه وطن جان فدا کرده‌اند و ایثارهای فراوانی کرده‌اند تا حتی یک وجب خاکشان را از دست ندهند، شایسته نیست حاصل دسترنجشان نابود شود و از بین رود و خوراک لاشخوران شود.

نتیجه‌گیری

از جمله محورهای مورد مطالعه نقد بوم‌گرا که به رابطه ادبیات و محیط زیست می‌پردازد، بررسی نحوه نگرش انسان به طبیعت در آثار ادبی است؛ که در این پژوهش اشعار پایداری اقتباس شده از کتاب‌های هزاره دوم آهوی کوهی، آینه‌ای برای صداها، هم‌صدا با حلق اسماعیل و گنجشک و جبرئیل می‌باشد.

بسیاری از توصیفات شفیعی‌کدکنی و حسینی در اشعار مورد نظر این تحقیق به مثابه توصیف غیرطبیعت است و نتایج این بررسی نشان می‌دهد شاعران مورد بحث، از یک سو غفلت انسان به طبیعت و محیط زیست پیرامونش روح و روان شاعر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مورد آزار قرار می‌دهد و از جهتی دیگر شاعران آنچنان در طبیعت محو می‌شوند که خود را فراموش کرده و از زبان طبیعت و با استفاده از عناصر و پدیده‌های ساخته شده بوسیله آن به توصیفات گوناگون از جنبه‌های مختلف می‌پردازد.

قلم این شاعران در توصیف تلخی‌ها و شیرینی‌هایی که بر طبیعت اعمال می‌شود از اعماق وجود ایشان سرچشمه می‌گیرد و به نحوی از طبیعت در جهت بیان مظلومیت جامعه و مردم زیر بار ظلم و استبداد بهره می‌گیرد؛ به عبارتی دیگر شاعر از زبان آسمان و زمین و باران و ابر سخن می‌گوید به نحوی که در لایه پنهان آن به بیان فضای جامعه و تیرگی حاکم بر آن پرداخته است مردم را به عدالت طلبی و انقلاب دعوت می‌کند.

منابع

دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانه و اسلام



قرآن کریم

- بشیریان، فرهاد و اکبر شایان سرشت (۱۳۹۶) *نقد بوم‌گرایانه دفتر شعر از «زبان برگ»*، سروده محمد رضا شفیعی کدکنی، مجله شعر پژوهی (بوستان ادب)، سال نهم، شماره سوم، صص ۲-۱۸.
- بصیری، محمدصادق (۱۳۸۷) *طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری*، نامه پایداری (مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری دانشگاه کرمان)، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
- پارساپور، زهرا (۱۳۹۵) *ادبیات سبز*، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسینی، سیدحسن (۱۳۷۱) *گنجشک و جبرئیل*، چاپ دهم، تهران، نشر افق.
- حسینی، سیدحسن (۱۳۸۶) *هم‌صدا با حلق اسماعیل*، چاپ سوم، تهران، انتشارات سوره مهر
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸) *صحیفه امام*، ج ۱۹، ص ۴۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۶) *آئینه ای برای صداها*، تهران، انتشارات سخن.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۶ ب) *هزاره دوم آهوی کوهی*، تهران، انتشارات سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۸) *بیان و معانی*، تهران، میترا.
- کیانپور، فیاضی و مریم سادات فیاضی (۱۳۹۶) *مضامین زیست‌محیطی در اشعار گیلکی بر اساس رویکرد نقد بوم‌گرا*، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره سوم، صص ۴۳-۹۶.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۱) *جویبار لحظه‌ها*، چاپ چهارم، تهران، نیل.